

فقر در جهان: تحول تناقض آمیز

برگردان: دکتر محمد حسن فطرس

مدیر گروه اقتصاد-دانشگاه بوعلی سینا

بدین سان، از سالهای دهه ۱۹۵۰ به بعد بخش اعظم اروپا و آمریکای شمالی از اشتغال کامل و نهادهای دولت رفاه برخوردار بوده اند.

دومین دوره بزرگ رهایی در همان دهه پنجاه میلادی در کشورهای در حال توسعه آغاز گردید. با پایان دوره استعماری، پیشرفتهایی در آموزش و بهداشت و همچنین شتابی در توسعه اقتصادی حاصل شد که عقب نشینی قابل ملاحظه فقر را در پی داشت. تا پایان قرن بیستم، سه تا چهار میلیارد نفر شاهد بهبود قابل توجه شرایط زندگی خود و چهار تا پنج میلیارد نفر برخوردار از آموزش پایه ای و مراقبت های بهداشتی اولیه خواهند شد. چنین پیشرفتهایی امحای فقر را دقیقاً به امکانی واقعی و نه آرمانی دور دست تبدیل کرده است.

پیشرفتهای نابرابر

نابرابری بین کشورها

ترازنامه فقر را در سالهای پایانی قرن بیستم در چند رقم گویا خلاصه کنیم:

- بیش از یک چهارم ساکنان کشورهای در حال توسعه هنوز در محرومیت کامل به سر می برند که بر حسب «شاخص فقر انسانی» - که برای نخستین بار در گزارش توسعه انسانی امسال عرضه شده - اندازه گیری شده است. حدود یک سوم ساکنان این کشورها - یعنی ۱/۳ میلیارد نفر - باید به درآمد روزانه کمتر از یک دلار بسنده کنند؛

- بیشتر افراد گرفتار آنچه فقر انسانی نامیده می شود در آسیای جنوبی به سر می برند. در این منطقه همچنین بیشترین تعداد افراد گرفتار فقر پولی نیز زندگی می کنند: ۵۱۵ میلیون نفر. از ۱/۳ میلیارد نفر ساکنان کشورهای در حال توسعه که از فقر پولی در نجات، حدود ۹۵۰ میلیون نفر آنها در آسیای جنوبی، شرقی و جنوب شرقی و اقیانوسیه به سر می برند؛

- آفریقای جنوب صحرا به نوبه خود بیشترین درصد رشد و سریع ترین رشد فقر انسانی را عرضه می دارد. در این جا، در حدود ۲۲۰ میلیون نفر گرفتار فقر پولی هستند. در واقع، فقر سلطه خود را

متن زیر از گزارش توسعه انسانی «برنامه سازمان ملل متحد برای توسعه» که در سال ۱۹۹۷ به چاپ رسیده برگرفته شده است.

پیشرفت های چشمگیر

معدودند کسانی که از پیشرفت های عظیم حاصل شده آگاه باشند. کاهش فقر در پنجاه سال گذشته بیشتر از کاهش آن در پنج قرن پیش از آن بوده است. این کاهش تقریباً در همه کشورهای جهان به گونه ای نمایان شده است.

شاخص های اصلی توسعه انسانی پیشرفت های سریعی را در طی دهه اخیر به ثبت رسانده است. از سال ۱۹۶۰ تا کنون، یعنی اندکی بیش از یک نسل، میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای در حال توسعه به کمتر از نصف کاهش یافته است. در همین مدت میزان سوء تغذیه تا حدود یک سوم پایین آمده است. نسبت کودکانی که به مدرسه ابتدایی دسترسی ندارند از بیشتر از نصف به کمتر از یک چهارم رسیده است. بالاخره، نسبت خانواده های روستایی که آب آشامیدنی در اختیار ندارند از نهمم به حدود یک چهارم تقلیل یافته است.

این پیشرفتها در همه مناطق جهان قابل تصدیق است. در کمتر از بیست سال چین و همچنین چهارده کشور دیگر که در بر دارنده بیش از ۱/۶ میلیارد نفر جمعیتند، موفق شده اند در صد افراد زیر خط فقر پولی را کاهش دهند. در ده کشور دیگر با جمعیتی حدود یک میلیارد نفر، میزان فقر پولی تا یک چهارم کاهش یافته است. در ورای پیشرفتهای ساده درآمدی، در همه این کشورها در زمینه های امید به زندگی و دسترسی به خدمات اجتماعی اولیه موفقیت هایی به دست آمده است.

شتاب حاصل در کاهش فقر در قرن بیستم، یعنی آنچه امروزه بعنوان نخستین دوره رهایی از فقر و فلاکت انسانی تلقی می گردد، در واقع ریشه در قرن نوزدهم اروپا و آمریکای شمالی دارد. این رهایی در پی انقلاب صنعتی آغاز شد که متضمن افزایش درآمدها، بهبود وضع بهداشت عمومی و آموزش عمومی و در نهایت برنامه های تأمین اجتماعی بود.

سال ۱۹۹۰ تاکنون به ثبت رسیده است. بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳ تعداد افرادی که درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر افزایش یافت. شمار آنان امروزه به ۱/۳ میلیارد نفر سر می‌زند و به نظر می‌رسد که در همه مناطق جهان به استثنای جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه افزایش این تعداد ادامه یابد.

اکنون روشن شده است که گذار از سوسیالیسم به دموکراسی و اقتصاد بازار بیش از آنچه تصور می‌شد دشوار و پرهزینه است. هزینه‌ها، تنها اقتصادی یعنی کاهش شدید تولید ناخالص داخلی نیست، بلکه انسانی هم هست: دستمزدهای در حال کاهش، بالا رفتن جنایات، و تأمین اجتماعی فرو کاهنده. امید به زندگی در برخی از کشورهای در حال گذار تا پنج سال و گاهی بیشتر کاهش یافته است.

بالاخره، در بسیاری از کشورهای صنعتی، بیکاری در حال افزایش است و نظامهای محافظتی سنتی در برابر فقر زیر فشارهایی قرار دارد که بر مخارج عمومی و دولت رفاه وارد می‌گردد. در برخی از این کشورها مانند ایالات متحده و بریتانیا فقر به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

هیچ یک از این تحولات شوم اجتناب‌ناپذیر نبوده است. اگر کشورهای جهان مسئولیتهای خود را در اولویت دادن به کاهش فقر در سطح ملی و بین‌المللی جدی می‌گرفتند، هر کدام از این تحولات شوم قابل برگشت می‌بود.

فقر پولی و فقر انسانی

فقر در بی‌نواهی و تنگدستی افراد خود را نشان می‌دهد. معنای فقر می‌تواند بیش از فقدان ضروریات رفاه مادی باشد. فقر، همچنین نفی فرصتها و نبود امکان انتخاب‌های اساسی در زمینه توسعه انسانی است: طول زندگی، سلامت، خلاقیت و همچنین شرایط زندگی آبرومندانه، آزادی، مناعت، احترام به خویش و به دیگران.

برای تصمیم‌گیرندگان، فقر بر حسب انتخابها و فرصتها اغلب مفهوم معتبرتری است تا فقر پولی. این مفهوم در واقع بر علل فقر متمرکز می‌شود و مستقیماً به راهبردهایی منجر می‌گردد که ارتقای کنترل افراد بر سر نوشت خویش و دیگر اعمال معطوف به افزایش فرصتها را برای همه هدف قرار می‌دهد.

فقر باید نه تنها از زاویه درآمد بلکه تمامی ابعاد مورد توجه قرار گیرد. تعداد افرادی که با معادل کمتر از یک دلار در روز گذران می‌کنند ۱/۳ میلیارد نفر برآورد می‌شود. نیازهای اساسی تری نیز وجود دارد. بیش از یک میلیارد نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. حدود ۸۴۰ میلیون نفر در گرسنگی یا در ناامنی غذایی به سر می‌برند. از نظر آماری نزدیک به یک سوم ساکنان کشورهای کمتر توسعه یافته - اغلب در آفریقای جنوب صحرا - قبل از رسیدن به ۴۰ سالگی می‌میرند.

قاطعانه بر آفریقای جنوب، صحرا و تعداد دیگری از کشورهای کم توسعه یافته گستراننده است: برآورد می‌کنند که در افق سال ۲۰۰۰ فقر پولی نیمی از جمعیت آفریقای جنوب صحرا را در بر می‌گیرد؛

- در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب فقر پولی از فقر انسانی گسترده تر است و امروزه ۱۱۰ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده و گسترش آن ادامه دارد؛

- در طی ده سال گذشته، مهمترین ذلت و خواری‌ها در اروپای شرقی و جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع به ثبت رسیده است. فقر پولی که از آستانه ۴ دلار سرانه در روز محاسبه شده در آغاز تنها بخش کوچکی از جمعیت را در بر می‌گرفت اما امروزه ۱۲۰ میلیون نفر یعنی در حدود یک سوم جمعیت این کشورها را شامل می‌شود؛

- سرانجام، در کشورهای صنعتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در زیر خط فقر پولی قرار دارند که منطبق بر نصف میانه درآمد قابل تصرف فردی است. در این کشورها ۳۷ میلیون نفر در بیکاری به سر می‌برند.

نابرابری‌های ملی

در درون این گروههای عمده، برخی افراد بیشتر از دیگران مبتلا به فقرند: بویژه کودکان، زنان و سالمندان.

کودکان به خصوص در برابر پدیده فقر آسیب پذیرند: در دوره مهم رشد ذهنی و بدنی خود در معرض سوء تغذیه و بیماری قرار دارند. بدین سان در حدود ۱۶۰ میلیون کودک از سوء تغذیه ملایم یا شدید رنج می‌برند، و ۱۱۰ میلیون نفر به مدرسه دسترسی ندارند.

زنان عموماً فقیرتر از مردانند. آنان اغلب از وسایل تسلط بر سر نوشت خویش محرومند و زیر فشار کارهای طاقت فرسا و بار به دنیا آوردن و بزرگ کردن کودکان و همچنین دیگر مسئولیتهای خانه داری و اجتماعی کمر خم می‌کنند. دسترسی اندک آنان به زمین، اعتبارات و فرصتهای شغلی امیدبخش غالباً مانع از آن است که شیخ فقر را از خود و خانواده خویش دور کنند یا از فقرهایی یابند.

سالمندان که شمار آنها در همه مناطق جهان رو به افزایش است، غالباً واپسین سالهای عمر خود را در محرومیت و تنهایی به سر می‌برند.

درست در زمانی که امکانات پیشرفت باید بیش از هر زمان دیگری مهیا باشد، مسایل جدیدی سر بر آورده که افزایش جدیدی در فقر را موجب شده یا می‌شود. برخی از نشانه‌ها عبارت است از:

- آهستگی رشد اقتصادی، کساد و حتی کاهش رشد در برخی از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار؛

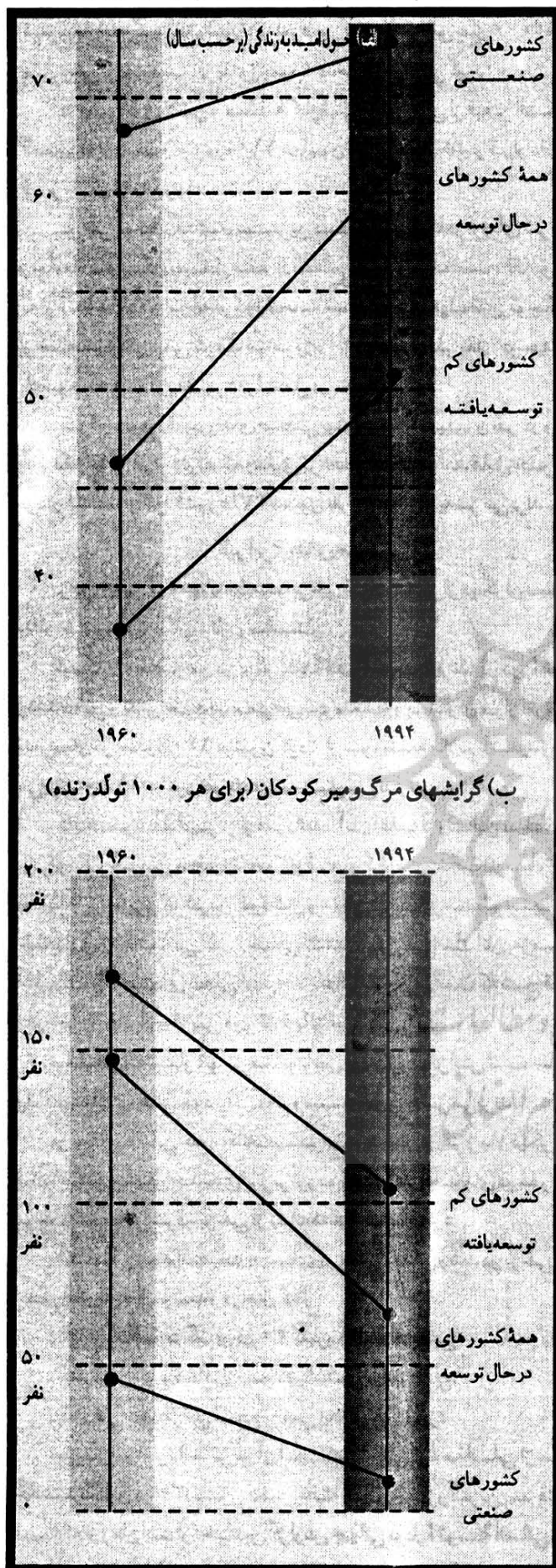
- تداوم جنگ و درگیری در ۳۰ کشور اغلب آفریقای؛

- کند شدن پیشرفت در زمینه‌های اساسی مانند تغذیه؛

- بالا رفتن مخاطراتی مانند ویروس ایدز و خود ایدز.

جدیدترین آمارها حاکی از آن است که شاخص توسعه انسانی از سال گذشته تاکنون در ۳۰ کشور کاهش یافته است: این بزرگترین پسرفتی است که از زمان انتشار نخستین گزارش جهانی درباره توسعه انسانی در

نمودار ۱- پیشرفت‌های جمعیتی (دموگرافیک) قابل توجه



شاخص فقر انسانی جنبه‌های اساسی فقر را طرح و تلفیق می‌کند که در مقایسه با شاخص فقر پولی اختلاف‌های قابل توجهی دارد. **گزارش توسعه انسانی** امسال دربردارنده شاخص فقر انسانی است. شاخص فقر انسانی به جای اندازه‌گیری فقر بر حسب درآمد، بر پارامترهایی بنا شده که ابعاد اولیه کمبودها و کسری‌های مؤثر بر زندگی انسان را نشان می‌دهد: عمر کوتاه، کمبود آموزش و پرورش پایه‌ای و فقدان دسترسی به منابع عمومی و خصوصی. شاخص فقر انسانی همانند هر ابزار اندازه‌گیری دیگر دارای ضعفهایی - هم آماری و هم مفهومی - است. مانند هر ابزار دیگری از درک جنبه‌هایی از فقر انسانی باز می‌ماند. با وجود این، شاخص مذکور با گرد آوردن مسایلی در یک شاخص واحد فقر انسانی، جنبه‌هایی که اغلب در شاخص فقر پولی از نظر دور می‌ماند، نسبت به دیگر ابزارهای اندازه‌گیری فقر دارای مزیت است.

کشورهای کوبا، شیلی، سنگاپور و کاستاریکا در رأس طبقه‌بندی ۷۶ کشور در حال توسعه‌ای که از نظر شاخص توسعه انسانی بررسی شده‌اند، قرار می‌گیرند. امروزه، فقر انسانی در این چهار کشور کمتر از ۱۰٪ جمعیت را در بر می‌گیرد.

فقر انسانی در کجا گسترده‌تر است؟ در هفت کشور نیجر، سیرالئون، بورکینافاسو، اتیوپی، مالی، کامبوج و موزامبیک شاخص فقر انسانی از ۵۰٪ تجاوز می‌کند؛ یعنی بیش از نیمی از جمعیت این کشورها از آشکال مختلف فقر انسانی در رنجند. در کل، شاخص فقر انسانی در ۳۵ کشور از ۷۸ کشور در حال توسعه‌ای که امکان ارزیابی آنها فراهم شد، از ۳۳٪ بیشتر است.

مقایسه شاخص فقر انسانی و نتایج حاصل از معیار فقر پولی از طریق شاخص میزان فقر یک دلار در روز سرانه تفاوت‌های جالبی را آشکار می‌کند:

- فقر پولی مانند فقر انسانی پدیده‌ای بسیار شایع است: این دو، یک چهارم تا یک سوم ساکنان کشورهای در حال توسعه را در بر می‌گیرد؛
- فقر پولی و فقر انسانی در آفریقای جنوب صحرا و آسیای جنوبی بیش از هر جای دیگر گسترده است: ۴۰٪ جمعیت این مناطق گرفتار آند؛

- اغلب کشورهای عربی در کاهش فقر پولی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند و آن را تا ۴٪ جمعیت تقلیل داده‌اند، اما در زمینه فقر انسانی که هنوز ۳۲٪ ساکنان آنها را در بر می‌گیرد، کارهای زیادی باید انجام دهند؛

- بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب با شاخص فقر انسانی ۱۵٪ در کاهش سطح فقر انسانی خود موفق بوده‌اند، معهذ، فقر پولی هنوز ۲۴٪ جمعیت این منطقه را در بر می‌گیرد؛

- در چهارده کشور، از جمله مصر، گینه، مراکش، و پاکستان، نسبت افرادی که در فقر انسانی به سر می‌برند بیشتر از افرادی است که گرفتار فقر پولی‌اند؛

- در گینه بیسائو، پرو، هندوراس، کنیا و زیمبابوه فقر پولی بیش از فقر

جدول ۳- تحول درازمدت شاخص فقر انسانی^۱ کشورهای مختلف بین

۱۹۷۰ و ۱۹۹۰

تحول شاخص فقر انسانی (%)	شاخص فقر انسانی (%)	کشور
۱۹۷۰-۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۷۰
۶۶	۱۲	۳۴
۶۳	۱۱	۳۰
۵۹	۵	۱۳
۵۶	۷	۱۵
۵۴	۴	۹
۴۱	۲۱	۳۵
۳۶	۱۱	۱۷
۱۹	۱۳	۳۵
۲۸	۲۳	۱۹

۱. «شاخص فقر انسانی» متمرکز بر سه جنبه اصلی زندگی انسانی است که قبلاً در چارچوب «شاخص توسعه انسانی» مورد توجه قرار گرفته بود، یعنی طول عمر، آموزش و زندگی آبرومندانانه، اما از زاویه نبود آنها. نخستین شکل کمبود برحسب زندگی اندازه گیری می شود یعنی احتمال مرگ نسبتاً زود هنگام. دومی، یعنی آموزش مشتمل بر این حالت است که فرد خود را از دنیای مطالعه و ارتباطات محروم ببیند. سومی، کمبود دسترسی به شرایط زندگی آبرومندانانه است و بویژه مربوط است به آنچه اقتصاد در مجموع تأمین می کند. در محاسبه شاخص فقر انسانی، کمبود آموزش را با درصد افراد در معرض مرگ قبل از چهل سالگی، و کمبود آموزش را با درصد افراد بالغ بی سواد اندازه گیری می کنند. شرایط زندگی آبرومندانانه در سطح کلی اقتصاد را با شاخص فرعی ترکیبی دیگری که خود شامل سه متغیر است اندازه گیری می کنند:

درصد افراد محروم از آب آشامیدنی، درصد افراد محروم از دسترسی به خدمات بهداشتی و بالاخره، درصد افراد کمتر از پنج سال مبتلا به سوء تغذیه.

برای تعریف کاملتر این شاخص ن.ک. ب. یادداشتهای فنی گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۷.

رشد: مجادله نادرست بدبینان و خوش بینان

برای بسیاری این پرسش مطرح است که آیا رشد اقتصادی به فقیران آسیب می رساند؟ از نظر بدبینان، تغییراتی که رشد به همراه دارد. تحول ساختار اشتغال، آلودگی، اغتشاشهای اجتماعی و تخریب ارزشهای فرهنگی- موجب فقیر شدن لایه هایی از جمعیت می گردد. برعکس، کسانی که دیدگاهی خوش بینانه دارند بر این عقیده اند که این تغییرات موجب افزایش در آمد خانواده های فقیر می شود. در واقع همه اینها، به نحوی، درست می گویند.

انسانی است.

(برنامه سازان ملل متحد برای توسعه، گزارش جهانی توسعه انسانی ۱۹۹۷)

جدول ۱- پیشرفتهای جهانی و منطقه ای در شاخص توسعه انسانی،

۱۹۶۰-۱۹۹۴

کشور	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰
جهان	۰/۷۶۴	۰/۵۷۰	۰/۴۵۹	۰/۳۹۲
کشورهای صنعتی	۰/۹۱۱	۰/۸۸۹	۰/۸۵۹	۰/۷۹۸
اروپای شرقی و جامعه	۰/۷۶۰	۰/۸۳۸	۰/۷۰۵	۰/۶۲۵
کشورهای مستقل مشترک المنافع	۰/۵۷۶	۰/۴۲۸	۰/۳۴۷	۰/۲۶۰
کشورهای در حال توسعه	۰/۶۳۶	۰/۴۱۰	۰/۲۹۵	۰/۲۲۸
کشورهای عربی	۰/۶۵۲	۰/۴۸۴	۰/۳۷۹	۰/۲۵۵
آسیای شرقی	۰/۸۲۹	۰/۶۷۹	۰/۵۶۶	۰/۴۶۵
آمریکای لاتین و منطقه کارائیب	۰/۴۵۹	۰/۲۹۸	۰/۲۵۴	۰/۲۰۶
آسیای جنوبی	۰/۶۷۲	۰/۴۶۹	۰/۳۷۲	۰/۲۸۴
آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه	۰/۳۸۰	۰/۳۱۲	۰/۲۵۷	۰/۲۰۱
آفریقای جنوب صحرا	۰/۳۳۶	۰/۲۴۵	۰/۲۰۵	۰/۱۶۱

جدول ۲- برخی از شاخصهای نابرابری

کشور	تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی (بر حسب برابری قدرت خرید)	سهم زنان در درآمد دستمزدی (برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت)	راديو
ایالات متحده	۲۶۳۹۷	۴۱	۲۱۲۲
ژاپن	۲۱۵۸۱	۳۴	۹۱۲
هلند	۱۹۲۳۸	۳۴	۹۰۹
بریتانیا	۱۸۶۲۰	۳۵	۱۴۲۹
جمهوری کره	۱۰۶۵۶	۲۸	۱۰۱۷
شیلی	۹۱۲۹	۲۲	۳۴۵
مجارستان	۶۴۳۷	۴۰	۶۲۵
برزیل	۵۳۶۲	۲۹	۳۹۳
اندونزی	۳۷۴۰	۳۳	۱۴۸
گوآتمالا	۳۲۰۸	۲۱	۶۸
نیجریه	۱۳۵۱	م.ن	۱۹۶
هند	۱۳۴۸	۲۶	۸۱
بنگلادش	۱۳۳۱	۲۳	۴۷
نیال	۱۱۳۷	م.ن	۳۵
گینه بیسائو	۷۹۳	م.ن	۴۰
تانزانیا	۶۵۶	م.ن	۲۶

م.ن = موجود نیست

در دو مورد، در آمد فقیران حتی در دوره بحران اقتصادی ترقی نیز داشته است (جدول ۱).

جدول ۱- رشد اقتصادی معمولاً خروج از فقر را بر حسب مصرف تسهیل می کند، اما تأثیر مثبت یا منفی - روی برابری ندارد.

دوره های رشد (۸۸)		دوره های تنزل (۷)		شاخص برابری در آمد فقیران منبع:
بهبود	بدتر شدن	بهبود	بدتر شدن	
۴۵	۴۳	۲	۵	
۷۷	۱۱	۲	۵	

Deiniger, Kaus And Squire, Lyn, 1996, "A New Data Set Measuring Income Inequality", *The World Bank Economic Review*, 10 (3), pp 565-591.

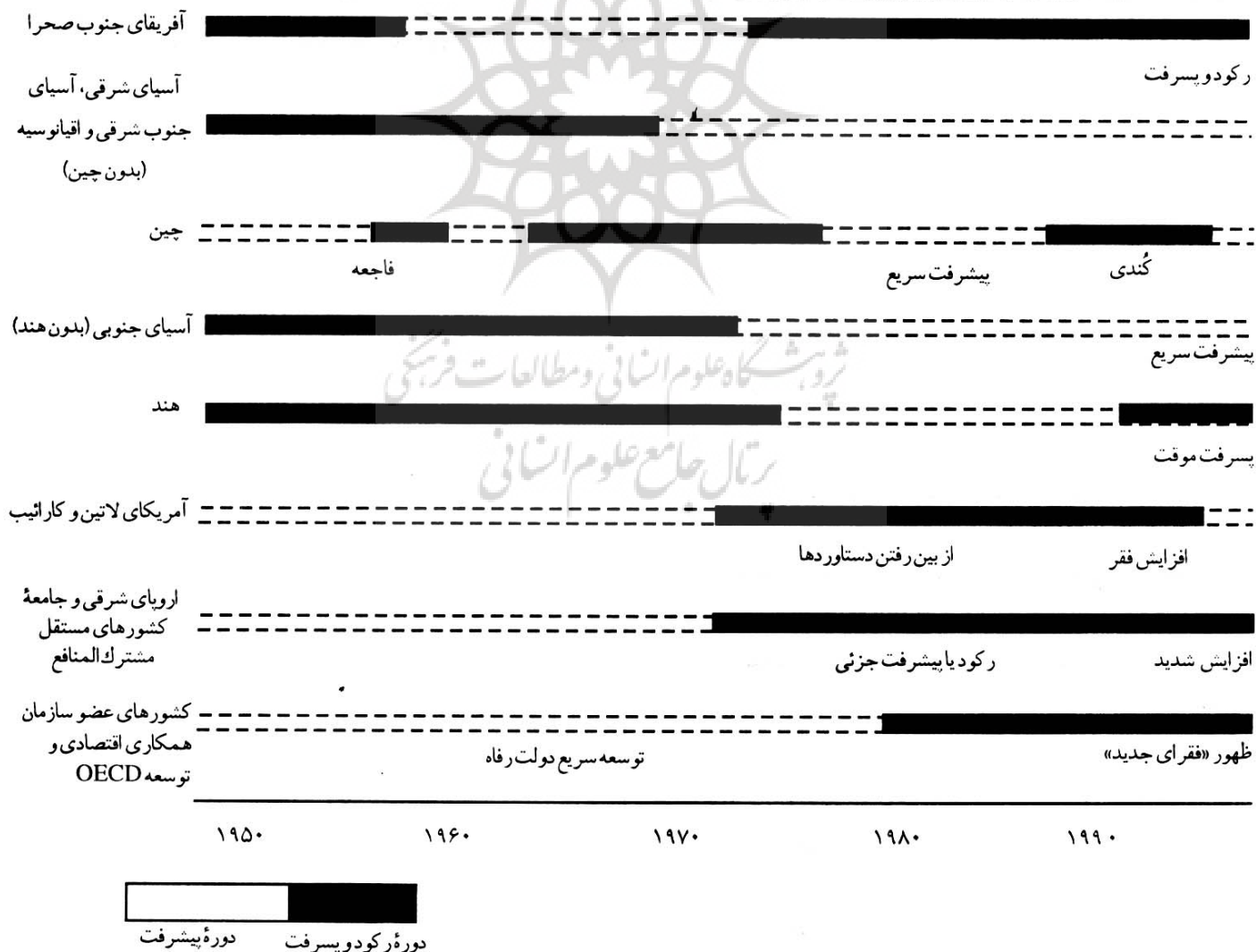
تحلیل دیگری که این بار اختصاص به ۵۹ بررسی ملی خانوارها داشته حاکی از آن است که تأثیر فقر در کشورهایی که در سطح معینی از درآمد قرار دارند شدیداً متفاوت بوده است (جدول ۲).

بنا به قاعده کلی، رشد در بهبود در آمد خانواده های فقیر سهیم است. بررسی تفصیلی آمارهای توزیع در آمد و فقر که مدت زمان اندکی است برای بسیاری از کشورها در دسترس قرار گرفته، حاکی از آن است که در شمار زیادی از کشورها و در دوره های زمانی متعدد، شتاب گیری رشد همراه با افزایش متناسب در آمد همه گروه های جمعیت از جمله گروه های فقیر و همچنین، در مواقع کساد اقتصادی همراه با کاهش در آمد عمومی بوده است. افزون بر آن، گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ نشان می دهد که رشد اقتصادی خود بخود متضمن تشدید نابرابری در آمدها نیست.

با وجود این، مشارکت رشد در پس راندن فقر، متغیر و ناپایدار است و استثناهایی نیز مشاهده می شود.

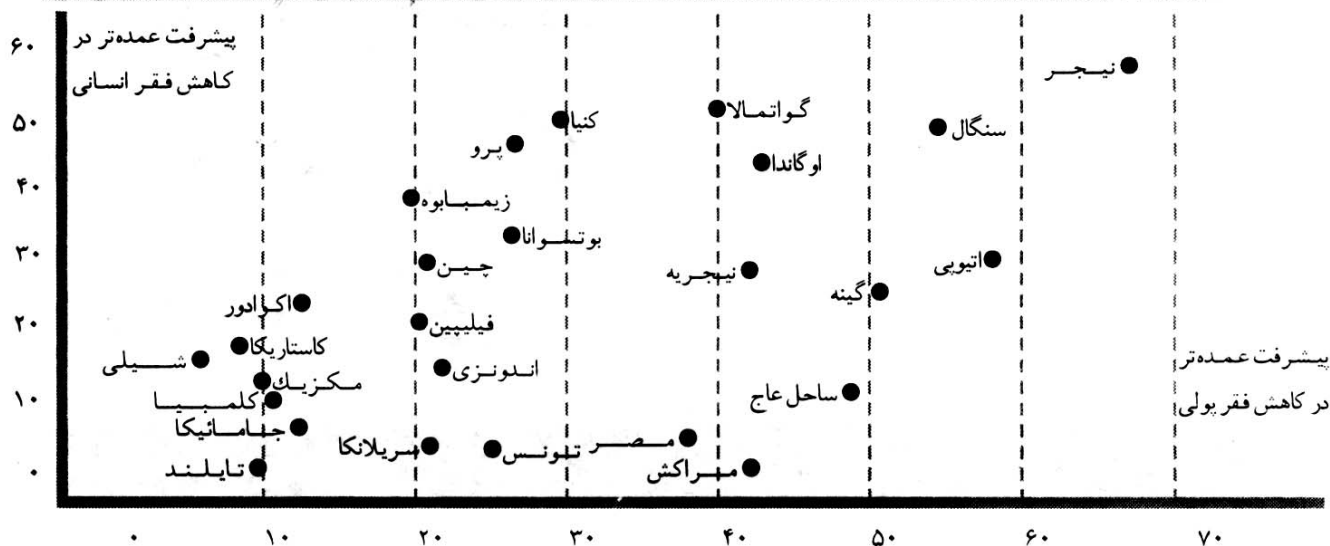
مطالعه ای که درباره تمامی کشورهای جهان و برای ۹۵ دوره زمانی انجام یافته نشان می دهد که در دوره رشد بطور کلی در آمد فقیران بهبود می یابد؛ در برابر، گاهی نیز بدتر شده است.

نمودار ۲- پیشرفتها و پسرفتها در کاهش فقر پولی از سال ۱۹۵۰ تا کنون



نمودار ۳- فقر انسانی و فقر پولی همیشه همراه یکدیگر حرکت نمی کنند

درصد جمعیت زیر خط فقر: یک دلار در روز (بر حسب برابری قدرت خرید ۱۹۸۵)، ۱۹۹۳



شاخص فقر انسانی (به درصد)

جدول ۲- رشد تنها قسمتی از کاهش فقر را تبیین می کند

کشورهایی که میانگین مصرف خصوصی آنها از ۱۱۴ تا ۱۳۰ دلار

در ماه بوده است

کشور	جمعیت زیر خط فقر یک دلار در روز، ۱۹۸۹-۱۹۹۳
پاناما	۲۶
آفریقای جنوبی	۲۴
مکزیک	۱۵
بولیوی	۷
ترکمنستان	۵
لیتوانی	۲

منبع:

PNUD, 1997 and Lipton, Michael, 1996.

"How Economic Growth Affects Poverty",

سند پایه‌ای مورد استفاده برای تحریر: گزارش توسعه انسانی جهان در سال ۱۹۹۷.

در سطح بین‌المللی، ۵۰٪ تغییرات میانگین مصرف خصوصی تحت تأثیر تغییرات فقر قرار دارد. با میانگین درآمدی بین ۱۱۴ تا ۱۳۰ دلار در ماه تأثیر پیش‌بینی‌پذیر فقر ۶ تا ۷ درصد خواهد بود. با وجود این، در شش کشور که از چنین سطح درآمدی برخوردارند میزان (نرخ) فقر

بین ۲٪ تا ۲۶٪ بوده است.

حتی هنگامی که رشد برای اکثریت فقیران در اغلب موارد مساعد است، برخی شاهد وخیم شدن شرایط خویشند. در واقع، رشد اقتصادی تغییرات و تعدیلاتی پیش می‌آورد که به فقیران آسیب وارد می‌کند. تغییر انگیزه‌ها، کاهش اشتغال در بخش عمومی و کاهش خدمات عمومی و هزینه‌های دولتی، در برخی کشورها حتی رشد اقتصادی کارآمد مبتنی بر بازار-مثلاً مبتنی بر فنون و بسط مبادلات-باعث کاهش تقاضا برای نیروی کار غیر ماهر می‌گردد. برای کارگران کم‌سواد جنوب آسیا که از دانش فنی معینی در زمینه‌هایی برخوردار بوده‌اند که از رشد و پیشرفت فنی نصیبی نداشته‌چنین حالتی رخ داده است. در چنین مواردی، بیشترین لطمه به افراد کم‌سواد و کم‌تحرک و همچنین اشخاصی که از قدرت سیاسی کمی برخوردارند، بویژه زنان، وارد می‌گردد.

دیگر وجوه ارتباط بین رشد و تنزل سایر جنبه‌های فقر انسانی- بی‌سوادی، امید به زندگی محدود، سلامت متزلزل و نبود امنیت فردی-

از نظام‌مندی باز هم کمتری برخوردار است.

توزیع، سیاست‌های عمومی و تأمین خدمات عمومی بازتاب و تأثیر زیادی بر سطح معین مصرف-و احتمالاً رشد این مصرف-بر حسب کاهش فقر دارد.